اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت شصت و سه)

آخر الزمان (قسمت 3)

هبوط دوباره انسان

در قسمتهای قبل بررسی شد که انسان در کره زمین، قبل از قیامت و روز داوری، چندین بار دیگر هبوط پیدا میکند و البته تعداد هبوطها را فقط خدا میداند. تکبر و خود بزرگ بینی باعث هبوط دوره ای انسانها و جنها میشود. در این هبوط، شیاطین محدودتر میشوند و همچنین زمین برای زندگی انسانها تنگتر میشود و بعضی امکانات طبیعیش را از دست میدهد و انسان مجبور است که با علمش آن کمبودها را تهیه کند. هر وقت که دوره ها عوض شود، کار شیاطین و انسانها مشکلتر میشود.

زمان قدیم هوا گرم بود، اما اشعه های مضر نداشت و دود و غبار نبود. اما حالا هم گرما هست و هم دود و غبار و اشعه های مضر. هبوط دوره ای که سوره العصر به آن اشاره میکند؛ باعث خسران انسان است مگر اینکه ایمان و عمل صالح و توصیه حق و توصیه صبر بکار گیرند.

وَالْعَصْرِ ﴿١﴾
سوگند به عصر [دوره زمانی] (١)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾
که واقعا انسان دستخوش زیان است (٢)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾
مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای نیک کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده اند (٣)

قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ ﴿١٣﴾
فرمود از آن [مقام] فرو شو تو را نرسد که در آن [جایگاه] تکبر نمایی پس بیرون شو که تو از خوارشدگانی (١٣)

براساس آیه بالایی، هبوط باعث ضعیف تر شدن شیاطین خواهد شد. هبوط نهایی که جهنم است و شیاطین به نهایت ضعف خویش می رسند و اما انسانها هم در

هبوط دچار ذلت و خواری خواهند شد و باید برای تهیه نیازهای اولیه زندگی بدوند. در هبوط بنی اسرائیل به مصر، آنها دچار ذلت و مسکینی شدند (وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ**).** الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ **در اینجا به معنای ذلت و نداری و مسکینی است.**

إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿۶۱﴾

و چون گفتید ای موسی هرگز بر يك [نوع] خوراك تاب نياوريم از خدای خود برای ما بخواه تا از آنچه زمین می رویاند از [قبیل] سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز برای ما برویاند [موسی] گفت آیا به جای چیز بهتر خواهان چیز پست ترید پس به شهر فرود آیید که آنچه را خواسته اید برای شما [در آنجا مهیا]ست و [داغ] خواری و ناداری بر [پیشانی] آنان زده شد و به خشم خدا گرفتار آمدند چرا كه آنان به نشانه های خدا كفر ورزيده بودند و پیامبران را بناحق می کشتند این از آن روی بود که سرکشی نموده و از حد درگذرانیده بودند (۶۱)

کفران نعمتهای طبیعی ، نتیجه ای جز ذلت و نداری و مسکینی ندارد. بنابراین آنچه که به سر بشر می آید، نتیجه اعمال و کردار بد خویش است.

علم بدون تقوی به درد نمی خورد و علاوه بر آن، باعث هبوط بشر خواهد شد. علم ناقص بشری میگوید که تغییر جنسیت یک مساله علمی است ولی تقوی می گوید که به خدای خویش ایمان داشته باشید و به جنسیت خویش رضایت دهید. تقوی مخالف علم نیست؛ اما تقوی باید راه و چاه کاربرد علم را مشخص کند.

مسائل جنسی کثیف شده است و روشهای کثیفی در ارتباطات جنسی اختراع شده است که اصلا بهداشتی نیست و حتی حیوانات هم اینطوری نمی کنند.

هبوط براحتی قابل جبران نیست. یک روز عمدی روزه بخورید؛ باید برای جبرانش شصت روز روزه بگیرید. بنابراین نسبت هبوط به صعود ، 60 به 1 است. هبوط خیلی راحت است ولی برای جبران همان مقدار هبوط باید شصت برابر تلاش کنید. گناهی مثل شرک ، را هبوط اعظم می نامیم که جبران آن تقریبا غیر ممکن است و تمام اعمال کسب شده قبلی را صفر میکند.

هبوط باعث ضعیف تر شدن شیطان خواهد شد. شیطان هر چقدر که ضعیف تر شود، درجه هبوطش پایینتر میرود و به همین خاطر منطقهایش با منطق صحیح تفاوت اساسی دارد. در منطق شیطان برای پیش بردن کارها، دزدی و قتل و زنا مجاز است و البته می دانیم که این اعمال کثیف نشانه قوت نیست، بلکه اینها نشانه ضعف است. هر چقدر هبوط سنگینتر باشد، منطق کثیفتر میشود. از آنجا که شیطان نفسش ضعیف است، فقط در موقعیتهای خاصی از مکان و زمان میتواند بر انسان پیروز شود. بنابراین کاری میکند که انسان به آن جایی برود که شیطان میخواهد. آن مکان هم یک مکان فیزیکی نیست ، بلکه یک موقعیت ذهنی و فکری است که از طریق آهنگها، اشعار، فیلمها و احساسات آلفایی بدست می آید. مخلصین کسانی هستند که در این مکانهای ذهنی قرار نمی گیرند و پندار نیک و کردار نیک و گفتار نیک را سرمشق خویش قرار میدهند. اینکه شیطان اقرار کرد که نمی تواند مخلصین را فریب دهد، بخاطر ضعیف بودن نفسش است و گرنه شیطان به کسی

رحم نمی کند. شیطان میخواهد چیزی را که خدا بهت داده است، ازت بگیرد. میخواهد امکانات طبیعی خدادادی را ازت بگیرد و از ترویج اسراف، افراط و تفریط استفاده میکند. البته در این تاکتیک خودش هم ضعیف تر میشود.

با توجه به آیه (قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ)، **شیطان در هر بار هبوط ضعیف تر و قدرتهایش کمتر میشود. خدای حکیم در آخر آیه می فرماید** إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ ؛ **یعنی شیطان جزو خوار شدگان است. و این کوچک شدن، در هر بار هبوط دوره ای هم اتفاق خواهد افتاد. در زمان قدیم شیطان قدرتش بیشتر و امکاناتش هم بیشتر بود. حتی طوری بود که اجنه و شیاطین بطور جسمانی (دیو) وارد دنیای انسانها میشدند. اما بعد از هبوط دوره ای انسان، این امکان از آنها گرفته شد و ضعیف تر شدند. شیطان دیگر نمیتواند مثل سابق در میادینش اسب دوانی کند. البته این نکته مزیتی برای انسانها به حساب نمی آید، زیرا متاسفانه انسانها هم با هر بار هبوط ، ضعیف تر میشوند و همت و عزم آدمیان سابق را ندارند. آدمهای قدیم در نبود اینترنت و کتابها، خیلی از مفاهیم دینی را برای خود روشن میکردند ولی اکنون با بودن منابع زیاد و با یک جستجوی ساده هر منبعی قابل دسترسی است؛ ولی کسی حوصله روشن شدن این مسائل را ندارد و نسل جدید متاسفانه خودشان نمی خواهند در دینشان تحقیق کنند و دینشان را از شایعات اخذ میکنند.**

هر چقدر که به قیامت نزدیکتر شویم، زمین غیر قابل سکونت تر میشود و وضعیت قیامت نزدیکتر میشود. زمانی می آید که ستاره ها تیره میشوند و یا تیره دیده

میشوند، از بس که لایه ازن و لایه های محافظتی دیگر زمین ضعیف میشوند و این میتواند یکی از دلایل باشد (وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ) **و شترهای ماده ده ماهه می زایند** (وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ) **درحالی که شتر بطور طبیعی سیزده ماه و نیم می زاید. اما زایمان زودرس بخاطر ضعیف تر شدن انسانها و حتی حیوانات است. شتر یکی از حیواناتی است که تحملش از هر حیوانی بیشتر است و بدن او بیشتر با بی آبی و بی غذایی در زمین سازگار است ولی این حیوان در نزدیکیهای قیامت، از شرایطی که انسانها برای زندگی روی زمین پیش آورده اند، خسته میشود و توانایی زایمان کامل را ندارد. در هر بار هبوط انسانها هم ضعیف تر میشوند و توانایی تحمل نه ماهه یک بچه برای زنان مشکل میشود و نوزادان مقداری از نوزادی خود را داخل جعبه های محافظتی و یا رحم اجاره ای طی میکنند. در هربار هبوط، شرایط برای زندگی حیوانات هم بدتر میشود** (وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ) **و حیوانات از دست انسانها کلافه میشوند و بشر مجبور است برای نگهداری بعضی حیوانات هزینه های زیادی بکند. همین حالا هم نگهداری یک شیر و یا یک خرس پاندا در یک باغ وحش، سالانه میلیونها دلار هزینه بر میدارد و نزدیکیهای قیامت این مبالغ سرسام آور میشود. زمین روز به روز گرمتر میشود و یخها آب میشوند** (وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ)**. این کارها و مشکلات که پیش میاید بخاطر کارهایی است که انسانها روی زمین انجام میدهند و زمین را طوری دستکاری میکنند که یک زندان بزرگ برای خود درست میکنند. البته در تغییر دوره ها این تغییرات صد در صدی نیست. یعنی تمام آبهای دریاها**

گرم نمیشوند، بلکه تغییرات صد در صدی در نزدیکیهای قیامت اصلی رخ خواهد داد.

فعالیتهای انسان آنچنان موجب تغییرات بنیادی در زمین میشود که بعضی کوهها در جای خود ثابت نمی مانند و حرکت میکنند (وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ). **این ها زمین را وارد یک دوره جدید زمین شناسی میکند. آن موقع دیگر انسان صرفا یک موجود استفاده کننده از منابع زمین نیست، بلکه کوه خواری و دریا خواری هم می کند. آنموقع دیگر خیلی دیر است که بشر به حالت قبلترش برگردد، مجبور است که با علمش مشکلاتش را حل کند. هم اکنون دریاچه های زیادی خشک شده اند و یا در حال خشک شدن هستند، همچون دریاچه ارومیه.**

قرآن در مورد قیامت و نزدیک شدن آن ، نشانه های زیادی گفته است که بعضی از این نشانه ها به مرور به وقوع می پیوندد. خدا نشانه های بسیار در دسترس نهاده و آن خالق مطلق تمام اطلاعات لازم جهت پرده برداشتن از تاریخ آخر زمان نهایی را به ما داده است. رشاد خلیفه کاشف معجزه ریاضی نوزده در قرآن، که من تغییرات فکری خویش را مدیون نوشته های ایشان هستم؛ در مورد نشانه های قیامت می گوید که تعدادی از نشانه ها اکنون به وقوع پیوسته است و تعدادی دیگر هنوز به وقوع نپیوسته است.

- **جدا شدن پاره ای از ماه: این رویداد هنگامی رخ داد که نخستین افراد بشر در ماه ژوییه سال ۱۹۶۹ در کره ماه پیاده شدند و سنگهایی از ماه را به**

زمین آوردند. مردم سیاره زمین هم اکنون می توانند به بسیاری از موزه ها، دانشگاه ها، و رصد خانه ها بروند و قطعات یا پاره هایی از ماه را ببینند. و البته جداشدن پاره ای از ماه در آینده بیشتر هم خواهد شد و بشر با دست خودش طبیعت تنها قمر زمین را ضایع میکند. هم اکنون هم خیلی از کشورها ماهگرد به ماه میفرستند تا که فلزات ارزشمند در آن پیدا کنند و به زمین بیاورند. البته این مسابقه تا زمانی خوب است که در ماه دستکاری چندانی نشود و جنبه علمی داشته باشد.

- **کشف کد ریاضی قرآن بر پایه ی عدد ۱۹: در سال ۱۹۷۴ تحقق یافت. این کشف بزرگترین پیام خدا برای بشریت بود. کسانی که معجزه ریاضی مبتنی بر نوزده را رد میکنند، مثل این است که در زمان موسی، تبدیل شدن چوبدستی به مار را منکر شوند.**
- **موجود ساخته شده از عناصر خاک (آیه ۸۲:۲۷): " مردم را آگاه می کند که آنها نسبت به پروردگارشان غافل بوده اند." موجود ساخته شده از عناصر خاک، ظاهر شد و وسیله ای بود تا کد ریاضی قرآن توسط آن آشکار شود، و اعلام کند که دنیا نسبت به پیام خدا بی توجه است. این موجود/ مخلوق رایانه است. توجه داشته باشید که از حاصل جمع شماره ی ارقام این سوره و آیه (۸۲: ۲۷) ۱۹ ، بدست می آید(۱۹= ۲+ ۸+ ۷+ ۲).**

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿٨٢﴾

و چون قول [عذاب] بر ایشان واجب گردد جنبنده ای را از زمین برای آنان بیرون می آوریم که با ایشان سخن گوید که مردم [چنانکه باید] به نشانه های ما یقین نداشتند (۸۲)

زمان وقوع قیامت در سال ۱۴۰۰ هجری قمری برابر با ۱۹۸۰ ، میلادی کشف شد. اگر ۳۰۰ سال خورشیدی (زمان خواب اصحاب کهف در غار) به سال ۱۹۸۰ اضافه شود، می شود ۲۲۸۰، که این عدد مضرب ۱۹ است، (۱۲۰× ۱۹). پس، دنیا در سال ۱۷۱۰ هجری، (۹۰ × ۱۹)، برابر با ۲۲۸۰ میلادی (۱۲۰× ۱۹) به آخر می رسد. جالب است که از سال ۱۹۸۰ تا ۲۲۸۰، ۳۰۰ سال خورشیدی فاصله است. عدد سیصد تعداد سالهای شمسی بود که اصحاب کهف در خواب بسر بردند. یعنی از روز کشف این واقعه توسط رشاد خلیفه تا قیامت سیصد سال مانده است. این نکته جالب است که تعداد سالهای خواب اصحاب کهف، هم نشانه ای است برای قیامت.

اصحاب کهف در سال 251 میلادی به خواب رفتند و 300 سال شمسی به خواب رفتند. سال 551 میلادی از خواب بیدار شدند. 551 عددی است مضرب نوزده.

551= 19* 29

- **یأجوج و مأجوج: این نشانه هنوز ظهور نکرده است ولی قطعا نشانه هایی از شروع وقوع آن مشاهده میشود. یاجوج و ماجوج قومی هستند که در زمین فساد میکنند و بقیه مردم می خواهند که از آنان دوری کنند.**

حَتَّى إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا ﴿٩٣﴾

تا وقتی به میان دو سد رسید در برابر آن دو [سد] طایفه ای را یافت که نمی توانستند هیچ زبانی را بفهمند (۹۳)

قَالُوا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَى أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ﴿٩٤﴾

گفتند ای ذوالقرنین یاجوج و ماجوج سخت در زمین فساد می کنند آیا [ممکن است] مالی در اختیار تو قرار دهیم تا میان ما و آنان سدی قرار دهی (۹۴)

این که چرا نزدیکیهای قیامت (با آن همه پیشرفت علمی و نظم!) یاجوج و ماجوج وجود دارند، سوال مهمی است که در ادامه به جوابش می رسیم. به فرموده خدا در قرآن یاجوج و ماجوج قومی بودند که حرف حالیشان نبود.

حَتَّى إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا ﴿٩٣﴾

تا وقتی به میان دو سد رسید در برابر آن دو [سد] طایفه ای را یافت که نمی توانستند هیچ قولی را بفهمند (۹۳)

قَالُوا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَى أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ﴿٩٤﴾

گفتند ای ذوالقرنین یاجوج و ماجوج سخت در زمین فساد می کنند آیا [ممکن است] مالی در اختیار تو قرار دهیم تا میان ما و آنان سدی قرار دهی (۹۴)

اما نزدیکیهای قیامت دوباره چنین قومی بوجود می آیند. اینکه چرا در نزدیکیهای قیامت که علم بشر آنچنان پیشرفته است که صدها تُن خاک ماه را به زمین منتقل

میکنند. آیا برای شما عجیب نیست که قومی که حرف حالیشان نیست در آن تمدن پیشرفته وجود داشته باشند!

حَتَّى إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ﴿٩٦﴾

تا وقتی که یاجوج و ماجوج [راهشان] گشوده شود و آنها از هر پشته ای بتازند (۹۶)

وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٩٧﴾

و وعده حق نزديك گردد ناگهان ديدگان كسانى كه كفر ورزيده اند خيره مى شود [و مى گويند] اى واى بر ما كه از اين [روز] در غفلت بوديم بلكه ما ستمگر بوديم (۹۷)

جواب این سوال، ما را به سرانجام جهالت انسان آگاه خواهد کرد. انسان از نظر علمی پیشرفت زیادی کرده است و تا 2280 میلادی (سال آخر شدن دنیا) پیشرفتهای خیلی بیشتری هم خواهد کرد. اما واقعیت این است که این پیشرفتها ظاهرین و مخصوص تمام مردم نیست. بلکه تعداد زیادی از مردم، از این قافله پیشرفت عقب می مانند و نمیتوانند خود را با نظم جهانی آن روز وفق دهند و در نتیجه به قوانین و نظم آن دوره پایبند نخواهند بود. اگر فیلم عصر جدید چارلی چاپلین را دیده باشید، در آن فیلم رباتها زندگی عادی را بر چاپلین تلخ میکنند و دست و پا گیرند. بعضی امکانات دست و پا گیرند و کار انسان را چندان راحت نمی کنند.

مردم اگر دوربین در محیط کارشان نصب باشد، مراعات میکنند و مواظب روابطشان هستند، در حالیکه نمیدانند، خدای عالمیان شایسته ترین است برای اینکه از او تقوا داشته باشیم. اما تا به قیامت نزدیکتر شویم، آنقدر خودکنترلی ها در محیط زندگی انسانها نصب میشود که واقعا زندگی خسته کننده میشود. تصور کنید که در اتاق خواب، هم یک دوربین نصب شود. خدا از مردم تقوا میخواهد. اینها تقوا نیست. وقتی ما بخاطر دوربین رعایت کنیم، یعنی از دوربین ترسیده ایم و بخاطر تقوا از خدا نیست. هر چقدر که به قیامت نزدیکتر شویم، فرصتهای تقوای انسانها کمتر میشود. دیگر تعداد موقعیتهایی که میتوان آزادانه و با انتخاب (نه به زور دوربین) خدا را انتخاب کرد کم میشود و این نوعی هبوط است.

گاها رسم و رسومات اضافی، مانع یک زندگی ساده میشود. مثلا اکنون خیلی از مردم ، چنان در ازدواجها سخت می گیرند که جوانها ترجیح میدهند ازدواج نکنند و آنان خود را وارد این رسم و رسومات خسته کننده نمی کنند. مهریه زیاد و اجباری و یا جهیزیه اجباری و خرجهای اضافی دیگر همگی مثل غل و زنجیر دست و پای آنان را بسته است و خانواده ها را خسته کرده است و کسی تمایل به وارد شدن به این بازی را ندارد. آیا خدا گفته است که این سختگیری ها انجام شود؟ خیر. مردم با اختراع قیدهای اضافی در ازدواج به خیال خودشان سعی در محکم کردن پایه های زندگی دارند ولی این علوم خرافی و رسومات دست و پاگیر بشری، نه تنها محکمش نمی کند، بلکه کاملا نابودش میکند. ما نابودی آن را داریم می بینیم. وضعیت فعلی نتیجه سخت گیریهای گذشته است. یک جامعه نتیجه

اعمال خودش را می بیند. علوم و رسوم اختراعی بشر که بر وحی الهی مبتنی نیستند، از آنجا که ناقصند؛ نمیتواند بنیاد یک زندگی شود.

همین حالا که بشر پیشرفت زیادی کرده است، اما تعدادی از گروهها و اقوام از این پیشرفتها بی بهره اند و هیچ سهمی در آن ندارند و هیچوقت به آن پایبند نیستند و در نتیجه به نظم قراردادی در جامعه پایبند نیستند. این که این گروه در هر زمانه ای هستند، نشان از آن دارد که پیشرفت علمی بشر (بدون پیام خدا)، عدالت آور نیست و بشر بدون هدایت از طرف خدا وحشی خواهد بود اگر چه وسایل پیشرفته هم در اختیار داشته باشد. نظم و ارتباطات جهانی آن موقع احتمالا، ارتباطات و نظمی پیچیده است که آزادی طبیعی انسانها را می گیرد. عده ای از مردم که تحمل چنین شرایطی را ندارند و تقوا و صبر کافی هم ندارند، در نهایت زیر همه چیز میزنند و این عده یاجوج و ماجوج نامیده میشوند. از آنجا که آیه می فرماید که این قوم هیچ قولی را متوجه نمیشوند (قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا)**؛ پس احتمالا بشر ارتباطات و سیستمی که در آینده بوجود خواهد آورد، زیاد کارا نیست و تقوا زا نیست. انسان امانتی را که خدا به او سپرد، صحیح از آن استفاده نمی کند و وحی را به کناری میزند و خودش امور تربیتی ودینی را برعهده می گیرد. در نتیجه خروج قومی مثل یاجوج و ماجوج در آن روز قطعی است. وجود قومی که پایبند نظم زمانه نیست؛ نشان از جهانی دو قطبی دارد. بشر بدون دین و بکارگیری هدایت از طرف خدا؛ جامعه جهانی را به دو قطب تقسیم میکند که هیچکدام همدیگر را درک نمی کنند و حرف هم را متوجه نمیشوند** (قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ

قَوْلًا). این تقسیم بندی دو قطبی ناخواسته پیش خواهد آمد و نتیجه ایدئولوژیهای غلط میان انسانهاست. قبل از قیامت؛ در هر دوره ای که عوض میشود؛ این دوقطبی ها بوجود میاید. قطبی که تابع نظم خودساخته هستند و یک سری محدودیتها را پذیرفته اند ولی قطب دیگر این نظم را قبول ندارند و محدودیتهای زمان خویش را قبول ندارند و شروع به کارشکنی و فساد میکنند مثل یاجوج و ماجوج. گروه اولی مغرور به علم خویش و گروه دومی(یاجوج و ماجوج) ، گروه اولی را قبول ندارد و این نمونه واقعی جهان دو قطبی.

علم بشر بدون تقوا و هدایت خدا، راههای غلطی را طی خواهد کرد و کره زمین در سال 2280 **میلادی بخاطر بی کفایتی انسانها در بکار بردن علم به بن بست خواهد رسید و این بن بست باعث میشود که ملائکه مامور خدمت در زمین، پشتیبانی خویش را از زمین قطع کنند و در نتیجه مشکلات فراوانی برای زمین پیش خواهد آمد، از جمله برخورد اجرام آسمانی با زمین و حوادث دیگری که در قرآن ذکر شده است. زمین تا مدت مشخصی برای زندگی بشر مهیاست، اما بعد از طغیان انسانها، منابع زمین توانایی و کشش نیازهای انسان اسراف کننده را نخواهد داشت و منابع زمین به بن بست میرسد. در این حالت خدا خودش همراه با فرشتگان وارد دنیای ما میشوند و به نجات مومنان اقدام کنند. قیامت به همین معناست. کسی که برای نجات انسانها میاید، خود خداست و در آن روز مهیب، خدای عالمیان، تنها منجی و نجات دهنده انسانهاست.**

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿۲۱۰﴾

مگر انتظار آنان غیر از این است که خدا و فرشتگان در [زیر] سایبانهایی از ابر سپید به سوی آنان بیایند و کار [داوری] یکسره شود و کارها به سوی خدا بازگردانده می شود (۲۱۰)

برای ناباورانی که این شواهد محکم قرآنی را نپذیرند، دنیا بناگاه به پایان می رسد و این افراد به شدت غافلگیر میشوند. از نظر خدا خیلی مهم است که مردم نشانه های قیامت را پیدا کنند و ظهور این نشانه ها باید روی زندگی مردم تاثیر مثبت داشته باشد. این مورد نه تنها مربوط به قیامت اصلی است، بلکه مربوط به دوره های قبل از قیامت هم هست. قبل از قیامت ، چندین هبوط دوره ای دیگر صورت می گیرد و این ها هم نشانه های ضعیف شده قیامت را در خود دارند.

بشریت در هبوط زبانهای همدیگر را متوجه نمیشوند و فقط ارتباطات در فضای مجازی حالیشان است. همین حالا هم توی ژاپن رباتهایی هستند که افراد را از تنهایی در می آورند و یا حتی برایشان حرف میزنند. اگر توجه کنید، بیشتر مردم همیشه سرشان توی گوشی است و خود را با آن مشغول میکنند و مثل یک دوست برای آنها عمل میکند. دیگر انسانها مثل سابق، دو دست ندارند. بلکه یک دستشان یک گوشی را حمل میکند و فقط یکی از دو دست انسان کاربرد واقعی دارد و یکی دیگر همیشه مشغول است. دیگر انسانها دو چشم ندارند و دو گوش ندارند. هر کسی را می بینید (مخصوصا نسل جدید) یک هد فون توی گوششه و سرش توی گوشیه. این فرد از چشمان و گوشهایش در دنیای واقعی استفاده نمی کند و در

یک دنیای دیگری به سر می برد. یا در یک مهمانی، همه سرشان توی گوشیه و کسی با کسی دیگر حرف نمی زند؛ انگار حرفهای همدیگر را متوجه نمیشوند. این شرایط حتی شیوه راه رفتن مردم روی زمین را هم عوض کرده است ، طوریکه انگار کج راه میروند.

أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ﴿٨﴾

آیا دو چشمش نداده ایم (٨)

وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ﴿٩﴾

و زبانی و دو لب (٩)

وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ﴿١٠﴾

و هر دو راه [خیر و شر] را بدو نمودیم (١٠)

علم مبتنی بر تقوی تنها وسیله مناسب برای رفاه بشر است ولی بشر نباید به علمش مغرور شود. سلیمان با مورچه حرف زد، آیا انسان با علمش میتواند با مورچه حرف بزند؟ علم انسان هنوز نتوانسته است در این مسیر پا بگذارد. انسان اگر خیلی از هوش مصنوعی (بطرز صحیح) استفاده کند، شاید روزی سطح نظمش به سطح نظم مورچه برسد. اگر تمام داروسازان عالم را جمع کنید، نمی توانند دارویی مفید تر از عسل تهیه کنند.

با آنکه انسانها هبوط پیدا میکنند و امکانات طبیعی کمتر میشود ولی خدا وعده داده است که: اگر ما به دستورات خدا عمل کنیم، نه اینکه بشنویم ولی عمل نکنیم. و اگر اکثر مردم اینکار را بکنند، خدا برکاتی از آسمان و زمین بر مردم می باراند. خدا حکیم مهربان است.

لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۹۶﴾
و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند قطعا برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم ولی تکذیب کردند پس به [کیفر] دستاوردشان [گریبان] آنان را گرفتیم (۹۶)